**نکات قواعد وزن:**

1. فرمول کلمه ثلاثی بیان شد. در کلمه **رباعی** همین قواعد برقرار است جز اینکه به جای یک لام الفعل، دو لام الفعل داریم و در **خماسی** سه لام الفعل.
2. در رباعی و خماسی چون هر لام الفعلی نماینده یک حرف مستقل است، در وزن آن نباید قواعد ادغام را انجام داد. بنابراین «قُذَعمِل» بر وزن «فُعَللِل» است نه «فُعَلِّل».(لذا پاورقی 1 از صفحه 26 را صحیح نمی­دانیم.) چراکه این­ لام ها ظاهراً یک لام هستند اما در حقیقت پسوند(اَندیس) دارند: لام1، لام2، لام3.
3. در قواعد وزن، به صرف ساده **دو** **اشکال** وارد است:

**اولاً**- این قواعد مبتنی بر استعمال عرب نیست بلکه قرارداد محض است. لذا اینکه بگوییم بنابر قاعده کلمه «مَهدیّ» بر وزن «مَفعِلّ» است اما استثناءً می­گوییم وزن آن «مفعول» است، سخن خلاف حکمت است. چرا که قواعد وزن را خودمان برای مقام تعلیم و تعلّم ساختیم لذا استثنا در این مورد بی­معناست.

**ثانیاً**- در قاعده **5** وزن باید تصریح می­کرد که این قاعده مربوط به کلمه غیر مشدّد است و مثال «ادّارَک» را باید حذف می­نمود و به جای آن مثال «اِقالَة» را می­گذاشت. چرا که وزن کلمه­ای نظیر «اِذَّکَرَ» بر اساس قاعده **5** می­شود «اِفتَعَلَ» و بر اساس قاعده **6** که مخصوص کلمات مشدّد است می­شود «اِفَّعَلَ».

ضمن آنکه وقتی کلمه مشدّد قاعده مخصوص به خود را دارد(قاعده 6) و هیچ نوع کلمه مشددی نیست مگر آنکه قاعده 6 آن را پوشش می­دهد، کار درستی نیست که کلمه مشدد را در قواعد دیگر نظیر قاعده 5 هم داخل کنیم، بالاخص که در برخی موارد موجب تناقض هم می­شود مانند کلمه «اِذَّکَرَ».

1. کتاب در صفحه 30 فایده قواعد وزن را استفاده از آن در **مقام تعلیم و تعلّم** می­داند، حال آنکه حفظ کردن این فرمول­ها برای استاد صرف نیز گاه مشکل است، چه رسد به طلبه تازه کار. از آنجا که این قواعد وابسته به استعمال عرب نیست و تعبّدی نمی­باشد، بلکه اعتباری محض برای فهم آسان­تر علم صرف می­باشد، لذا اعتباری جدید برای آسان­تر نمودن آن هیچ منعی ندارد.

از این رو پیشنهاد می­شود که این قواعد را به این نحو ساده کنیم تا آموزش و تفاهم ساده­تر رخ دهد:

**قاعده کلی**- کلمة­ بدون تغییر یک وزن دارد و کلمة تغییر کرده دو وزن: یکی وزن حال حاضر و یکی هم وزن معادلِ کلمة مشابه آن در میان کلماتِ صحیح و سالم و بدون قلب مکانی(یعنی وزنی که نزد طلبه معهود است). مثال:

**کمات یک وزنی:** ذَهَبَ: فَعَلَ قَمَرِیّ: فَعَلِیّ سَلَّمَ: فَعَّلَ

**کلمات دو وزنی:**

قُل: فُل- اُفعُل اِقالَة: اِفالَة- اِفعال جاه: عَفل(به سکون فاء)- فَعَل

مَأیوس: مَعفول- مفعول قالَ: فَعلَ(به سکون عین)-فَعَلَ مَدَّ: فَلَّ- فَعَلَ

وَفِیّ: فَعِلّ- فَعیل دُنُوّ: فُعُلّ- فُعول سَیِّد: فَیِّل- فَیعِل

اِدّارَکَ: اِفّاعَلَ- تَفاعَلَ مَهدِیّ: مَفعِلّ- مفعول

1. **برخی فواید قاعده جدید**:

**5-1.** یکی از فواید این قاعده در باب «اِفعِلال» و «اِفعیلال» است که همواره طلاب مبتدی در صرف ماضی و مضارع آن در صیغه ششم به مشکل بر می­خورند.

«اِحمارَّ» بر اساس قواعد وزن کتاب بر وزن «اِفعالَّ» است چون از مواردی است که تشخیص اصلی از زائد ممکن نیست(مانند کلمة سَلَّمَ)، حال آنکه بر اساس آنچه ما گفتیم چون در این کلمه تغییر رخ داده دو وزنی است: «اِفعالَّ- اِفعالَلَ».در این حالت این طلبه می فهمد که صیغه شش ماضی این فعل «اِحمارَرنَ» است.

یا مضارع آن «یَحمارُّ» دو وزنی است: «یَفعالُّ- یَفعالِلُ».

 در این حالت طلبه درمی­یابد که صیغه شش مضارع این فعل «یَحمارِرنَ» می­باشد.

همین کلام در باب «اِفعِلّال» از ابواب رباعی مزید نیز می­آید: اِفعَللَلَ(به جای اِفعَلَلَّ)، یَفعَللِلُ(به جای یَفعَلِلُّ).

**5-2.**  در کلمه­ای نظیر «قُولا» اختلاف رخ داده که بر چه وزنی است؟

از سویی در نظر برخی اساتید محترم این کلمه حالت سابقه ندارد، چون از فعل مضارع گرفته می­شود و هر تغییری رخ داده در مضارع آن رخ داده که ربطی به امر ندارد. لذا برخی آن را بر وزن «فُعلا» می­دانند.

در مقابل، برخی معتقدند که این کلمه بر وزن «اُفعُلا» است چرا که تغییری که در مضارع آن رخ داده را باید در نظر گرفت و بر اساس قاعده 5 چون این تغییر حذف یا اضافه نیست ملاک حال سابق آن است.

با این نظریه جدید اینگونه بحث­های غیر نافع(با پوزش از تمام اساتید معظم) پایان می­پذیرد، چرا که «قولا» در زمره کلمات دو وزنی است: «فُعلا- اُفعُلا».

1. استفاده از قاعده جدید، ما را از دانستن قواعد وزن کتاب بی­نیاز نمی­کند چراکه به هر حال طلبه پژوهشگر بی­نیاز از مراجعه به کتب قدما نیست، بنابراین قواعد وزنی را که قدما به کار برده­اند را باید بشناسد.